



شماره هشتم آبان ۱۳۹۳

بسیج اساتید

نشریه بسیج اساتید
دانشگاه علم و صنعت ایران

بسمه تعالی



تحریم های یک توافق!

مذاکره کننده باید بی توجه به نتایج انتخابات باشد

ظلمها و جنایات انگلیس در حق مردم ایران

تربیت در خانواده (۲)

هر که را و هر چه را خدا بخواند

لیله القدرِ عمر سعد

بیانیه بسیج اساتید دانشگاه در مورد صدور حکم

اعدام روحانی بزرگ شیعه شیخ نمر النمر

عاشورا نتیجه فراموشی پیمان غدیر





ظلمها و جنایات انگلیس در حق مردم ایران



کامرون چند ساعت پس از نخستین دیدار با رئیس‌جمهور ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در سخنان خود در مجمع عمومی سازمان ملل، ایران را متهم به حمایت از تروریسم کرد و گفت که ایران باید برنامه هسته‌ای اش و رفتار با مردمش را تغییر دهد!
خبر تأسف آور مذکور باعث شد تا بر آن شویم که به صورت مختصر و لیست وار، تعدادی از جنایات انگلیس در حق ایرانیان را بازگویی کنیم.

جنوب غربی هند که مستعمره انگلیس به شمار می‌رفت؛ سال ۱۹۰۱؛

۸. به انحراف کشاندن انقلاب مشروطیت و زمینه چینی برای اعدام آیت ا... شیخ فضل الله نوری؛

۹. تحمیل قرار داد ۱۹۰۷ که بر اساس آن ایران بین انگلستان و روسیه تقسیم شد؛

۱۰. قحطی بزرگ سال های ۱۹۱۹-۱۹۱۷ که بی تردید بزرگ ترین فاجعه در تاریخ ایران است و ناشی از سیاست‌های بازرگانی و مالی بریتانیا بود. طی این قحطی نزدیک به ۴۰ درصد از جمعیت ایران (یعنی حدود ۸ تا ۱۰ میلیون نفر) به کام مرگ رفتند و در این قحطی تلف شدند و انگلیسی‌ها که در آن زمان ایران را اشغال کرده بودند نه تنها برای کاستن از شدت قحطی کاری انجام ندادند، بلکه با خرید گسترده غله و مواد غذایی در ایران، وارد نکردن غذا از هند و بین النهرین،

۵. نقش تاریخی انگلیس در ترویج مواد مخدر در ایران که از سوی «برادران شرلی» در دوره صفویه دنبال گرفته شد و دیری نپائید که تریاک به عنوان یک داروی خانگی جای خود را در میان ایرانیان باز کرد و پس از مدتی دولت انگلیس اعلام کرد که سوخته تریاک را با قیمت مناسب از افرادی که از این ماده استفاده می‌کنند می‌خرد و در نهایت نیز قرارداد تالبوت (انحصار توتون و تنباکو) به ایران تحمیل گردید؛

۶. تحمیل قرارداد لاتاری (تاسیس قمارخانه) به ایران از سوی میرزا ملکم خان؛

۷. تحمیل قرار داد داری به ایران برای اکتشافات، استخراج و غارت منابع نفتی در

برخی از مهمترین خسارات غیر قابل محاسبه وارده بر ملت ایران توسط رژیم سلطنتی انگلستان بدین شرح می باشد:

۱. جدا کردن افغانستان از ایران در سال ۱۸۵۷ براساس پیمان پاریس؛

۲. تحمیل قرارداد روپتر (۱۸۷۲) که بر اساس آن، ایران به مدت ۷۰ سال کاملاً به انگلستان فروخته شد؛

۳. ایجاد فرقه‌های ضاله بابیت و بهائیت به قصد انحطاط مذهبی در ایران و در نتیجه به انحراف کشیده شدن هزاران ایرانی؛

۴. تجزیه و تقسیم بلوچستان ایران در سال ۱۸۸۷ به منظور امنیت بخشیدن به سرحدات هند و به عنوان کمر بند دفاعی





جمشید، منشور کوروش و نیز هزاران لوح، کتیبه و منشور به جای مانده از تمدن ایران باستان؛

۲۱. تحریک گروهک‌ها و قومیت‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نظیر خلق عرب، کومله، پان ترکیسم، جندالشیطان و...؛

۲۲. کمک‌های سیاسی، تسلیحاتی و اقتصادی به رژیم بعثی عراق برای حمله به ایران و ادامه این پشتیبانی‌ها در طول ۸ سال جنگ؛

۲۳. حمایت بی‌پرده و مستمر از اشخاص، گروهک‌ها و براندازان جمهوری اسلامی در ۳۳ سال گذشته نظیر بنی‌صدر، منافقین، ملی مذهبی‌ها، اصلاح‌طلبان معاند و هدایت آشوب‌های ۱۸ تیر ۷۸ و اغتشاشات پس از انتخابات نهم ریاست جمهوری (فتنه ۸۸) از طریق سفارتخانه و شبکه‌های رسانه‌ای همچون بی‌بی‌سی؛

۲۴. برنامه‌ریزی، حمایت و هدایت تحریم‌های بین‌المللی علیه ملت ایران در طول ۳۳ سال گذشته؛

۲۵. تهدید به حمله نظامی و تلاش ناکام برای ایجاد فشار روانی علیه ملت مظلوم و مقتدر ایران؛

۲۶. فضا سازی‌های مستمر رسانه‌ای با بکار گرفتن بنگاه‌های سخن پراکنی نظیر بی‌بی‌سی و راه‌اندازی شبکه‌های مختلف

توسط اینتلیجنت سرویس انگلیس که منجر به سرکوب، شهادت و مجروحیت تعداد زیادی از فعالان مبارزه علیه رژیم ستم شاهی شد؛

۱۹. اشغال و ویران شدن سفارت ایران در لندن و کشته شدن ۲ دیپلمات ایران؛ در ۶ روز پر تب و تاب در اردیبهشت سال ۱۳۵۹ یعنی از روز دهم تا پانزدهم آن ماه سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن به اشغال گروهی متشکل از شش مرد مسلح درآمد و ۲۶ نفر از جمله ۱۷ کارمند سفارتخانه، ۸ نفر مراجعه‌کننده و یک مأمور نگهبان انگلیسی به گروگان گرفته شدند؛ لازم به ذکر است در طول این حادثه، ۲ تن از اعضای فعال و انقلابی ایران جان باختند و بر اثر حمله یک گروه کماندوی انگلیسی به سفارتخانه، اشغالگران اصلی از بین رفتند و ساختمان سفارتخانه به صورت نیمه ویران بر جای ماند؛ با افشاگری یکی از مأموران سابق سازمان پلیس مخفی انگلیس (MI۶) مشخص شد که اشغال سفارت و مرگ دیپلمات‌های ایرانی را رئیس MI۶ طرح‌ریزی کرده و اجرای آن را به چند تروریست عراقی که دست‌پرورده سازمان اطلاعاتی انگلیس بودند، واگذار نموده بود؛

۲۰. سرقت اشیای عتیقه ایران و پشتیبانی از غارت‌گران میراث ملی ایرانیان و نگهداری آن‌ها در موزه‌های بریتانیا و فروش برخی دیگر در حراجی معروف لندن نظیر ستون‌های با ارزش تخت

ممانعت از ورود غذا از ایالات متحده و اتخاذ سیاست‌های مالی (از جمله نپرداختن درآمدهای نفتی به ایران)، قحطی را شدت بخشیدند و عامل اصلی تشدید و طولانی شدن قحطی ای شدند که منجر به مرگ میلیون‌ها ایرانی شد؛

۱۱. تحمیل قرار داد ۱۹۱۹ که بر اساس آن شمال ایران نیز زیر سلطه انگلستان قرار گرفت؛

۱۲. زمینیه چینی، حمایت و پشتیبانی از کودتای رضاخان از طریق سید ضیاء الدین طباطبایی، روزنامه نگاری که عامل سفارت بریتانیا در تهران بود؛

۱۳. کمک به فرار رضاخان از ایران و روی کار آوردن فرزندش؛

۱۴. نقش مستقیم در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹۵۳) برای همراهی با آمریکا؛

۱۵. نقش مستقیم در جدایی کل سرزمین‌های جنوبی خلیج فارس که در ۱۹۷۱ به جدایی کامل بحرین انجامید؛

۱۶. مانع تراشی در راه تشکیل حکومت جمهوری در ایران طی سال‌های حکومت محمدرضا شاه؛

۱۷. همراهی با آمریکا در سرکوب انقلاب اسلامی ملت ایران؛

۱۸. ارتباط، آموزش و پشتیبانی ساواک





عکس: هولوکاست - ۹ میلیون ایرانی به دست بریتانیا، جنگ جهانی اول، قحطی بزرگ.

عکس: سربازان اشغالگر انگلیسی در خاک ایران جنگ جهانی دوم



۲۷. حمایت، اعطای پناهندگی و پشتیبانی مادی و امنیتی از سلمان رشدی، نویسنده کتاب موهن آیات شیطانی، که انگلیسی‌ها سفارش دهنده، منتشر کننده و حامی کتاب و نویسنده‌اش بوده و هستند؛
۲۸. آموزش و تجهیز و پشتیبانی از بمب‌گذاری و دیگر اقدامات تروریستی در خوزستان، حرم مطهر رضوی، سیستان و بلوچستان، حسینییه شیراز و نیز ترور شهیدان لاجوردی و صیاد شیرازی در طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی و خصوصاً پس از اشغال افغانستان و عراق؛
۲۹. زمینه چینی، طراحی، آموزش، تجهیز و پشتیبانی از تروریست‌ها برای ترور دانشمندان هسته‌ای ایران همچون شهیدان علیمحمدی، شهریاری و دکترعباسی (رئیس فعلی سازمان انرژی اتمی) طبق اعتراف و تصریح جان ساورز رئیس سابق MIA و کوپر معاون اشتون؛
۳۰. تجاوز مکرر به مرزهای آبی جنوبی و مرزهای هوایی شرقی و غربی ایران در طی سال‌های پس از اشغال افغانستان و عراق که در چندین نوبت منجر به دستگیری تفنگداران دریایی آن‌ها از سوی مرزبانان ایرانی شد؛
۳۱. اشغال غیرقانونی باغ قلهک در تهران طی پنجاه سال گذشته؛
۳۲. حمایت از براندازان نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق دادن پناهندگی و مجوز اقامت دائم به آن‌ها نظیر مهاجرانی، گنجی، سروش، کدیور، مهدی هاشمی و ...؛
۳۳. مسدود شدن ۴ میلیارد دلار ذخیره ارزی ایران در بانک‌های داخلی بریتانیا پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران؛
۳۴. خسارات ناشی از لغو قراردادهای تسلیحاتی بین ایران و انگلیس از جمله ناو خارک (که با تأخیر ۵ ساله تحویل ایران شد) و همچنین تأمین قطعات یدکی و تجهیزات تکمیلی تانک‌های چیفتن و اسکورپیون، به بهای ۱۸ میلیون پاوند، که با پیروزی انقلاب اسلامی از سوی انگلیسی‌ها لغو گردید و در حالی که پول خرید آن‌ها قبلاً پرداخت شده بود، هرگز تحویل داده نشد؛ با احتساب هفته‌ای ۷۰ هزار پاوند، جریمه تأخیر تحویل ناو خارک، چیزی در حدود ۱۶ میلیون و هشتصد هزار پاوند می‌شود.
۳۵. نقش فعال و دخالت جویانه در جریان فتنه سال ۱۳۸۸.



مذاکره کننده باید بی توجه به نتایج انتخابات باشد

تلفیقی از نوشته آقای مهدی محمدی در روزنامه وطن امروز و مطالب یکی از اساتید دانشگاه



از دیگران دارد و تکالیفش بیش از دیگران است و این اصلاح‌شدنی نیست الا اینکه ایران باید پیمودن یک مسیر حدوداً یک دهه‌ای برای اعتمادسازی را بپذیرد. تا اینجا یک نتیجه‌گیری ساده به دست می‌آید: وقتی ما با غربی‌ها خوب حرف می‌زنیم، آنها متقابلاً دلیلی نمی‌بینند که با ما همین کار را بکنند، وقتی ما نگرانی‌های آنها را به رسمیت می‌شناسیم، آنها بر فهرست نگرانی‌های خود می‌افزایند و وقتی ما دوستی می‌ورزیم، آمریکایی‌ها به این نتیجه می‌رسند که دشمنی کردن کاری درست و به‌موقع بوده است. اکنون اما بویژه از سفر نیویورک به این سو و با نزدیک شدن به انتهای مدت توافق‌نامه ژنو، کار از درست حرف زدن و درست عمل کردن بسیار فراتر رفته و به سمت اقداماتی خطرناک و مشکوک میل نموده است. در اینجا تنها به سه نمونه "اشکار" از این گونه اقدامات

منتقدان البته می‌دانستند که داستان به عوض کردن واژگان و تغییر ادبیات محدود نخواهد ماند و بزودی سر از جاهای دیگری درخواهد آورد. دیری نپایید که محترمانه سخن گفتن جای خود را به پذیرش راهبرد اعتمادسازی داد؛ که در اصل چیزی نیست جز اینکه در ابتدای راه، ابزارهای قدرت و اهرم‌های اصلی چانه‌زنی‌تان را از شما بگیرند و در ادامه مسیر دائماً امتیازهای بیشتر بخواهند. پس از آن، استراتژی «سخن گفتن به زبان جهان» تبدیل شد به «به رسمیت شناختن تمام نگرانی‌های غرب درباره ایران» و بدتر از آن، پذیرفتن اینکه «این نگرانی‌ها باید از همان راهی رفع شود که غربی‌ها می‌خواهند». در نهایت، سخنگویان خوب ما در مواجهه با جهان (که جهان را هم خلاصه در غرب می‌دیدند) تلویحاً پذیرفتند که ایران تا اطلاع ثانوی یک استثناست، حقوقی کمتر

درک اینکه دولت آقای روحانی برای نهایی کردن یک توافق هسته‌ای با غرب بی‌نهایت مشتاق باشد، اصلاً دشوار نیست. سیاست خارجی دولت آقای روحانی بر دکترینی استوار شده که اگر توافق نهایی شکل نگیرد، هم خود بی‌اعتبار می‌شود و هم بسیاری دیگر از رؤیاهای غرب‌گرایان را در ایران به سقوط خواهد کشاند. دکترین سیاست خارجی دولت از روز نخست این بوده که منشأ بسیاری از مشکلات کشور، ناتوانی گذشتگان از درست سخن گفتن با جهان بوده است. دولت روحانی بویژه محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه او، همواره اصرار داشته‌اند که اگر زبان جهان را بدانید و با آن با ادبیاتی درست و محترمانه سخن بگویید، گره بسیاری از مشکلات در دم گشوده خواهد شد. به تعبیر ویتگنشتاینی‌ها، زبان جدید، جهانی جدید را از پی خود خواهد آورد.





اشاره می‌شود و امیدواریم نمونه‌های "پنهان" دیگری وجود نداشته باشند.

۱- سخنان حیرت‌انگیز آقای محمدجواد ظریف در جمع اعضای شورای روابط خارجی آمریکا را چیزی جز درد دل انتخاباتی با دوستان آمریکایی نمی‌توان نامید. ظریف در این سخنان می‌گوید اگر غربی‌ها قدر فرصت ایجاد شده را ندانند و با دولت آقای روحانی توافق نکنند، مردم ۱۶ ماه بعد در انتخابات مجلس پاسخ آنها را با رأی دادن به جریان‌ات غرب‌ستیز خواهند داد. وی برای اینکه مخاطبانش دقیقاً متوجه عمق مسأله شوند، یادآوری می‌کند بار گذشته که در سال‌های ۸۳ و ۸۴ غربی‌ها فرصت توافق با ایران را از دست دادند، رئیس‌جمهوری در ایران بر سر کار آمد و ۸ سال شیرین دولت را در دست داشت و کسی مانند وی را بازنشسته کرد! البته آقای ظریف در سال ۸۳ نیز مشابه این سخنان را با حالتی ترحم‌برانگیز و دردآور به آقای البرادعی گفت ولی دید که آنها کار خود را کردند و تیم مذاکره کننده به سرپرستی آقای روحانی تن به تعلیق تمام فعالیت‌های هسته‌ای دادند. سخنرانی آقای ظریف در جمع اعضای شورای روابط خارجی آمریکا، یعنی جایی را که وی برای بقاء در صحنه سیاست داخلی ایران دست به دامن آمریکایی‌ها می‌شود، باید احتمالاً به عنوان جدیدترین مدل «درست حرف زدن» با غربی‌ها در تاریخ ثبت کنیم. بعید است کسی در دولت آقای روحانی می‌توانست صریح‌تر

از این، پس داستان را برملا کند و راز مگویی را که اصلاح‌طلبان تلاش می‌کنند آن را در پستوها در گوش یکدیگر زمزمه کنند، اینچنین بر فراز بام فریاد بزند. ۲- درست در زمانی که مذاکرات وین و نیویورک بواسطه زیاده‌خواهی‌های ۵+۱ با محوریت آمریکا بدون نتیجه مانده و تاکید دشمن برای عبور تیم مذاکره کننده ایران از خطوط قرمز در دستور کار قرار می‌گیرد، طرح شعار «هیچ توافقی بدتر از عدم توافق نیست» و به عبارت بهتر «توافق هسته‌ای به هر قیمت» در دستور کار وزارت خارجه قرار می‌گیرد. یکی از اقدامات وزارت خارجه در این راستا تلاش برای تشکیل کمپینی از چند سینماگر است. مجید مجیدی یکی از سینماگران چنین می‌گوید: «چند روز پیش از سوی آقای جواد ظریف وزیر امور خارجه با ما تماسی گرفته و خواسته شد که عده‌ای از هنرمندان که وجهه بین‌المللی دارند، در مسیر مذاکرات هسته‌ای و برای احقاق حقوق حقه مردم ایران، دولت را یاری رسانند و به همین منظور پوستری از سوی وزارتخانه آماده شد که ما نیز آن را تایید کردیم و موکداً تشکیل یک کمپین را رد می‌کنم... کدام عقل سلیمی می‌پذیرد که ایران به هر قیمتی بر سر پرونده هسته‌ای با غرب به توافق برسد که اگر قرار بود هر آنچه آنها می‌گویند ما بپذیریم، مذاکرات تاکنون چندین باره به نتیجه رسیده بود». آنچه موجب افزایش نگرانی‌ها در این باره شده، رونمایی از «منطق خطرناک

وزیر خارجه» برای انعقاد توافق نهایی با ۵+۱ «به هر قیمت» است. این خطر زمانی بیشتر حس می‌شود که به سخنان ظریف در گفت و گوی اختصاصی با «رادیوی ملی آمریکا» بیشتر توجه کنیم، زمانی که صراحتاً اعلام کرد هر نوع توافق را بهتر از عدم توافق می‌داند: «من فکر می‌کنم اگر شما حصول هر نوع توافق را با عدم توافق قیاس کنید، باید بگوییم آشکار است که حصول یک توافق بسیار بهتر است».

۳- تا چند ماه قبل یکی از مطالبات تیم مذاکره کننده لغو همزمان تمامی تحریم‌ها بود. متأسفانه این مطالبه‌ی به حق، اندک اندک آب رفته و به سخنانی همچون لغو مشروط تحریم‌ها و آن هم بصورت تدریجی و چندین ساله تقلیل یافته است. در هر حال، یک مسئله و شرط مهم برای تیم مذاکره کننده آن است که باید مذاکرات را فارغ از اثر آن بر جناح سیاسی خود دنبال کنند و به نتایج انتخاباتی بی‌توجه باشد. در غیر اینصورت احتمال قربانی شدن منافع ملی در برابر منافع حزبی بالا می‌رود. اگر مجاز بود با نرمش و کرنش در مذاکرات به منافع حزبی و گروهی رسید، تیم مذاکره کننده قبلی بهترین فرصت را در آستانه انتخابات داشت. ولی دیدیم که صادقانه و شجاعانه مذاکره کرد و امانت‌دار خوبی در تاریخ کشور باقی ماند.





دو فراز از پیام حضرت امام خمینی (ره)

در پذیرش قطعنامه

و حملات ددمنشانه عراق به شهرها و موشکباران مناطق مسکونی و بمباران های مکرر شیمیایی عراق در ایران و حلبچه، مقاومت نکرده است؟ آیا ملت عزیز ایران در مقابل توطئه منافقین و لیبرالها و زراندوزی و احتکار سرمایه داران و حیلہ مقدس مابان مقاومت نکرده است؟ آیا همه این حوادث و جریانات برای ضربه زدن به اصول انقلاب نبوده است؟

... و به ملت عزیز و دلاور ایران هم عرض می‌کنم: خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر نموده است و قلبها و چشمان پرفروغ شما کانون حمایت از محرومان شده است و شراره کینه انقلابی تان جهانخواران چپ و راست را به وحشت انداخته است. البته همه می‌دانیم که کشور ما، در حال جنگ و انقلاب، سختیها و مشکلاتی را تحمل کرده و کسی مدعی آن نیست که طبقات محروم و ضعیف و کم درآمد و خصوصا اقشار کارمند و اداری، در تنگنای مسائل اقتصادی نیستند، ولی آن چیزی که همه مردم ما فراتر از آن را فکر می‌کنند مسئله حفظ اسلام و اصول انقلاب است. مردم ایران ثابت کرده‌اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت. ملت شریف ایران همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده است که در اینجا مجال ذکر همه آنها نیست. آیا ملت دلاور ایران در مقابل جنایات متعدد امریکا در خلیج فارس اعم از حمایت نظامی و اطلاعاتی به عراق و حمله به سکوهای نفتی و کشتیها و قایقها و سرنگونی هواپیمای مسافربری مقاومت نکرده است؟ آیا ملت ایران در جنگ دیپلماسی شرق و غرب علیه خود و ایجاد بازبهای سیاسی مجامع بین‌المللی مقاومت نکرده است؟ آیا ملت شجاع ایران در مقابل جنگ اقتصادی، تبلیغاتی، روانی

ما غیر از خدا کسی را نداریم. و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم بر نمی‌داریم. جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان آزاده جهان که علیرغم اختناق سیاسی حاکم بر آنها با ترتیب کنفرانسها و مصاحبه‌ها و سخنرانیها پرده از اسرار جنایت‌بار امریکا و آل سعود برداشتند و مظلومیت ما را به دنیا نشان دادند، تشکر می‌نمایند. مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود، و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه‌ای را به وجود می‌آورند. راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهانخواران حل نکنند و لاقبل خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند، آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر امریکا یک کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است و باید چنگ و دندان ابرقدرتها و خصوصا امریکا را شکست و الزاما یکی از دو راه را انتخاب نمود: یا شهادت یا پیروزی، که در مکتب ما هر دوی آنها پیروزی است. که انشاءالله خداوند قدرت شکستن چهارچوب سیاستهای حاکم و ظالم جهانخواران و نیز جسارت ایجاد داربستهایی بر محور کرامت انسانی را به همه مسلمین عطا فرماید و همه را از افول ذلت به صعود عزت و شوکت همراهی نماید.



تربیت در خانواده - شماره ۲



امر قرآن کریم به اجازه خواستن کودکان نابالغ هنگام ورود به خلوتگاه پدر و مادر

در باب محیط خانوادگی در ارتباط با اطفال میروم سراغ آیاتی که در قرآن هست. در سوره نور است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ هُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. وَإِذَا بَلَغَ الْطِفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»

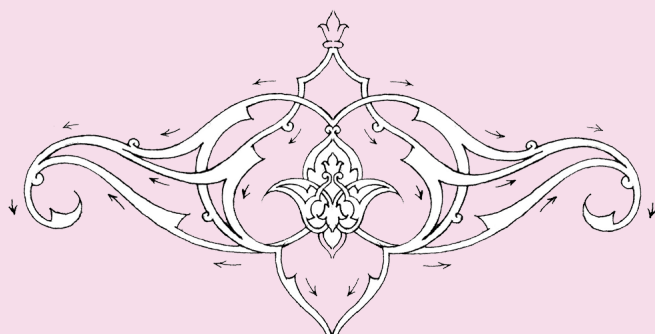
خطاب به مؤمنین است؛ ای کسانی که ایمان آورده اید باید مملوک های شما (چون مملوکات محرم بودند) و کودکان نابالغ شما در سه وقت اجازه وارد شدن بگیرند. یعنی هنگامی که میخواهند در اتاقهای شما وارد شوند شما را آگاه کنند. منظور کودکان نابالغ است
اول: پیش از نماز صبح. دوم: هنگام نیمروز که جامه های خویش را می نهید. سوم: بعد از نماز عشاء، یعنی وقتی که آماده خواب میشوید.

بعد میفرماید: «ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ» اینها، سه وقت خلوت شماست. «لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ هُنَّ» در غیر این سه وقت بر شما و آنها باکی نیست که بدون اجازه و آگاه ساختن، سرزده بر شما وارد شوند. چون آنها و شما با یکدیگر زیاد ارتباط دارید؛ این اشاره به رابطه تنگاتنگ داخل خانه بین فرزند و پدر و مادر است. در ادامه میفرماید:

خداوند آیات را چنین بیان میکند، خدایند دانا و حکیم است. آیه بعد: «وَ إِذَا بَلَغَ الْطِفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ» چون کودکان شما به حد بلوغ رسیدند، باید مانند دیگران اجازه ورود بگیرند. دیگر بین آنها و دیگران فرقی نمیکند. سه مطلب را که مربوط به بحث من است میگویم؛

امر قرآن کریم در این آیات به پدر و مادر است نه فرزندان!
اینجا سه نوبت برای وارد شدن فرزندان مطرح میکند:
صبح، ظهر، شب. اما در اینجا این خطاب

در شماره قبل صحبت از سبک زندگی بود و اینکه در تمامی موارد زندگی خود بدون تاثیر از محیط اطراف، به دنبال تعیین روش زندگی صحیح برای خود باشیم. همچنان که رهبر انقلاب در سخنرانی خود در خراسان شمالی در تشریح مفهوم سبک زندگی به مسائلی نظیر خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیط های مختلف اشاره کردند، آسیب شناسی و علت یابی در زمینه عدم پیشرفت لازم در بخش سبک و فرهنگ زندگی را ضروری خواندند و با دعوت از اندیشمندان حوزه و دانشگاه، نخبگان سیاسی و فکری، خواستار حرکت جدی در این زمینه گردیدند. لذا ضروری است تا آنجا که در توان داریم، این موارد را در زندگی خود مورد موشکافی قرار دهیم. یکی از مواردی که بنظر می رسد به اعمال دینی ما رنگ و بوی راستین اسلامی می دهد حیا است. آنجا که پیامبر اکرم می فرمایند: ((لا دین لمن لا حياء له)) نشان از اهمیت این موضوع دارد و بدون حضور این عامل قوام دهنده، زندگی های به ظاهر دینی، به هیچ وجه روح دین را ندارند. در ادامه به بررسی یکی از نکات اخلاقی در زمینه حیا در باب تربیت در خانواده از زبان حاج آقا مجتبی تهرانی می پردازیم:



در بُعد دیداریات، چه در بُعد شنیداریات، چه در بُعد رفتاریات، چه با هیكل ات، چه با لباس، چه با لباسش. بالاترین جنایت پدر و مادر در باب تربیت نسبت به فرزند اینجاست که نعوذ بالله در این سه رابطه پرده حیای الهی این بچه را بدرند. اینکه بچه هر کاری دل او میخواهد بکند و هر چه میخواهد بگوید و هر چه میخواهد ببیند.

مسئله حیا در باب تربیت یک نقش زیر بنایی دارد به این معنا که پدر و مادر که به طور معمول و متعارف دو مربی دست اول برای انسان هستند، اینها آنچه را که باید روی آن دقت کنند این است که نکنند من پرده حیای این بچه را بدرم، بلکه پرده حیای او را حراست و حفاظت و رشد بدهند. نمیخواهد تو به او حیا بیاموزی نه! سرکوبش نکن، خود او شرم ذاتی دارد. این را رشدش بده. چه



به بچه‌ها نیست، خطاب به بزرگترهاست، به پدر مادرها است. می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» ندارد یا ایها الأطفال. ای پدرها و مادرها! بچه‌هایتان باید در سه نوبت که در اتاق شما وارد میشوند از شما اجازه بگیرند و شما را آگاه کنند که میخواهند وارد اتاق شوند. سه نوبت چه وقت است؟ صبح، ظهر، شب. در اینجا شاید کسی بگوید آخر چرا؟ بچه‌هاست، آن‌ها هم بچه نابالغ، صریح آیه است: «وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ»، بچه‌های نابالغ شما، یعنی هنوز بالغ نشده است، او باید اجازه بگیرد و تو باید این روش تربیتی را به او بدهی (می‌گوید چرا باید اجازه بگیرد؟ در آیه راجع به ظهر) یعنی در وسط روز توضیح می‌دهد. و بعد از توضیح، صبح و شب آن را هم می‌فهمید، در



وسط روز که راجع به ظهر است «وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ» این مربوط به ظهر است، چه می‌گوید؟ من اینجا یک توضیحی بدهم: این آیات در حجاز نازل شده، و حجاز منطقه حاره (گرم) است. نیمروز که میشد وقتی اینها از سر کار برمیگشتند به خانه، چون هوا گرم بود چه میکردند؟ لباس رو را در می‌آوردند و تخفیف میدادند، گرمشان بود. کاته نیمه‌عریان می‌شدند. می‌گوید این سه وقت، اوقات خلوت شماسست، یعنی صبح قبل از نماز فجر که بلند میشوی، از کجا بلند میشوی؟ از داخل بسترت بیرون می‌آیی. به تعبیر روز می‌گوییم: هیچوقت ما نشنیدیم کسی با لباس بیرون از منزل بخوابد. موقعی که از خواب بلند میشوی،

از رختخواب می‌آیی تو نیمه‌عریانی یعنی لباس خواب تن تو است. بعد از نماز عشاء چه؟ چون آن موقع نماز عشاء را که میخواندند، میرفتند در بستر که بخوابند. موقع خواب در لباس تخفیف میدهند. «ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ» بچه‌های نابالغ در این سه موقعیت اگر بخوانند وارد شوند در اتاق شما که خلوتگاه شماسست، باید به آنها یاد بدهی و تربیتش کنی که با اجازه و آگاه ساختن شما وارد بشوند. به در بزند و کسب اجازه کند؛ چون تو نیمه‌عریانی و در این حالت شما را نبیند.

انتقاد از بی‌مبالاتی پدران و مادران

در نوع پوشش خود و فرزندان

چه رابطه‌ای گفته است؟ این تعبیر متواتر است، عامه و خاصه نقل کرده اند، در این هیچ شبهه‌ای نیست، یک نفر شبهه نکرده که این را پیغمبر اکرم نگفته است، من یک مورد آن را می‌گویم:

حجاب از مرد نابینا

دوم: روایت از امام هفتم (علیه السلام) است که این را شنیدید و شاید منبرها را برای شما نقل کرده باشند، من اینها را می‌گویم

چون من در اینجا نکته دارم، یک شخص نابینایی آمد و اجازه گرفت که وارد بشود، و زهرا (سلام الله علیها) بلافاصله رفت و پوشش را بر تن کرد. ما می‌گوییم چادر. هر چه بود. پیغمبر رو کرد به او و گفت چرا رفتی چادر سرت کردی؟! اینکه نابینا است! البته این را پیغمبر عمداً گفت، برای اینکه این مطلب به من و تو برسد. (ای مادرها! توجه کنید) گفت این که تو را نمی‌بیند

فَقَالَتْ إِنَّ لِمَنْ يَكُنْ يَرَانِي فِإِنِّي أَرَاهُ وَ هُوَ يَشْتَمُّ الرِّيحَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنِّي؛ زهرا (سلام الله علیها) عرضه داشت: او من را نمی‌بیند؛ ولی من که او را می‌بینم! او بوی من را استشمام میکند. من نشنیده‌ام که زهرا (علیها السلام) مثلاً آن موقع عطر زده بوده است. اینجا پیغمبر فرمود: من گواهی میدهم که تو پاره‌تن منی.

بعد من میرسم به احکام. ولی این را به شما بگویم، اسلام بر محور پرده داری است که پرده داری امری است فطری برای انسان، مابه‌الامتیاز انسان از حیوانات است، روی این تکیه میکند، همسو با او است. نکند یک کاری کنی آنچه را که من در نهاد او گذاشتم به عنوان ودیعه الهیه که حیاست، این پرده را تو پدر و مادر بدری! بچه نابالغ را می‌گوید. بالغ شد که هیچ! وای به حال آن کسانی که این بچه‌های نابالغ را نیمه‌عریان در ملاء عام بیاورند، وای به حالتان! می‌گوید در خانه‌ات، در اتاق که میخواهد بیاید در این سه نوبت اجازه بگیرند. چون آن سه نوبت که در اتاق هستی خلوتگاه تو است، نیمه‌عریانی. با لباس خواب هم تو را نبیند، پرده حیای او دریده میشود

عنصر حیاء در حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

همه شما شنیده‌اید دیگر و میدانید که پیغمبر اکرم (ص) راجع به حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمود: (فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي) فاطمه پاره‌تن من است. میدانید این را چه جاهایی گفته است؟ اکثر مواردی که پیغمبر گفته است این پاره‌تن من است، کجا بوده است؟ در



دکتر محمد خلیج امیرحسینی -
عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران
Khalaja@iust.ac.ir

هر که را و هر چه را خدا بخواهد

مقدمه

در نوشتار قبلی گفتیم که خداوند متعال خالق، مالک، حاکم، عالم، ناظر و پروردگار جهان و همه موجودات بویژه ما انسانها است. بنابراین عقلانی و قابل انتظار است که همه چیز به خواست خدا باشد و خداوند هر گونه بخواهد و صلاح بداند با این جهان و موجودات آن و از جمله ما انسانها رفتار نماید، همانطور که می‌فرماید: ... إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (الحج/۱۸) - ... إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (الحج/۱۴). شاید از همین رو است که در قرآن کلمات «یشاء»، «شاء»، «نشاء»، «تشاء» و «یرید» به کرات بکار رفته‌اند. در این نوشتار به چند موضوع که به صراحت به خواست خداوند منوط شده‌اند اشاره می‌شود.



مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذَلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ ... (آل عمران/۲۶). در این آیه این نکته قابل تامل است که داشتن یا نداشتن حکومت لزوماً به معنای داشتن عزت یا ذلت نیست چرا که این دو در آیه بطور جداگانه آمده‌اند. ممکن است کسی حکومت داشته باشد ولی ذلیل باشد و کس دیگری حکومت نداشته باشد و عزیز باشد. حکومتی ارزش دارد و قرین با عزت است که حکومت الهی (مُلْكُهُ) باشد همانطور که حکومت طالبوت بود. دقت شود در آیه مربوط به طالبوت کلمه "مُلْكُهُ" و در آیه اخیر کلمه عمومی "المُلْك" آمده است.

۴- نصرت و یاری

خداوند "هر کس را بخواهد" یاری و نصرت می‌دهد و او را کمک می‌کند. ... يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ ... (الروم/۵) - ... وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ ... (آل عمران/۱۳).

۵- علم و حکمت

خداوند "هر کس را بخواهد" و به هر اندازه که بخواهد "علم و حکمت عطا می‌کند و درجات آنها را بالا می‌برد.

بخواهد" فرزند پسر، به "هر که بخواهد" فرزند دختر و به "هر که بخواهد" هر دو را می‌دهد و به "هر که بخواهد" هیچکدام را نمی‌دهد. ... يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاءً وَ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكْوَرَ (شوری/۴۹) - أَوْ يَزُوْجَهُمْ ذَكَرًا وَ إِنَاءً وَ يَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيْمًا ... (شوری/۵۰). بعلاوه قیافه و مشخصات فرزندان هم "هر طور او بخواهد" خواهد بود. هُوَ الَّذِي يَصُوْرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ ... (آل عمران/۶).

۳- حکومت و عزت

خداوند حکومت خود را به "هر کس بخواهد" عطا می‌کند. بعنوان مثال خداوند حکومتش را علیرغم مخالفت قوم بنی‌اسرائیل به طالبوت می‌دهد و می‌فرماید که ... وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلِكَهُ مَنْ يَشَاءُ ... (البقره/۲۴۷). در آیه‌ای دیگر اشاره می‌شود که خداوند "به هر که بخواهد"

حکومت می‌دهد و "از هر که بخواهد" حکومت را می‌ستانند. همچنین "به هر که بخواهد" عزت می‌دهد و "هر کس را بخواهد" ذلیل می‌کند. ... تُؤْتِي الْمُلْكَ

۱- رزق و روزی

خداوند "هر کس را بخواهد" به "هر اندازه که بخواهد" رزق و روزی و نعمت می‌بخشد. به بعضی وسعت روزی، به بعضی دیگر تنگی روزی و به بعضی دیگر به اندازه خاصی عطا می‌کند. چند نمونه از آیات که به این موضوع اشاره دارند، عبارتند از: ... وَاللَّهُ يَرْزُقُ مِمَّنْ يَشَاءُ بَغِيْر حِسَابٍ (البقره/۲۱۲) - اللَّهُ يَنْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ ... (العنکبوت/۶۲) - اللَّهُ يَنْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ ... (الرعد/۲۶) - ... وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ... (الإبراهیم/۱۱). به عنوان یک مصداق بارز روزی، بارش باران است که برای هر که خدا بخواهد نازل می‌شود. ... فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (الروم/۴۸)، (هنگامی که باران) را به هر کس از بندگانش که بخواهد برساند ناگهان خوشحال می‌شوند).

۲- فرزندان

خداوند "هر چه را که بخواهد" می‌آفریند. ... يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (النور/۴۵) - وَ رَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ ... (القصص/۶۸). خداوند به "هر که



چند نمونه از آیات که به این موضوع اشاره دارند، عبارتند از: ... وَ عَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ ... (البقره/۲۵۱) - يُوْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ ... (البقره/۲۶۹) - ... نَزَّاعٌ ذَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ وَ فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ (يوسف/۷۶) - ... وَ لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ ... (البقره/۲۵۵).

۶- هدایت و ضلالت

خداوند "هر کس را بخواهد" هدایت می‌کند و به سعادت می‌رساند و "هر کس را بخواهد" گمراه می‌کند. قابل توضیح آنکه "گمراه کردن" انسانها توسط خداوند به معنای "رها کردن به حال خود" یا "عدم هدایت" آنها توسط اوست. همه انسانها در تمامی لحظات به هدایت الهی نیازمندند همانطور که به اکسیژن نیاز دارند. در نتیجه عدم هدایت الهی به معنای گمراهی، گرفتاری در انواع دامها و کمین‌های شیطان و در نتیجه هلاکت خواهد بود، همانطور که عدم رساندن اکسیژن به یک انسان به معنای خفه کردن اوست. چند نمونه از آیات که به این موضوع اشاره دارند، عبارتند از: ... وَاللّٰهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (البقره/۲۱۳ و النور/۲۳) - ... يَهْدِي اللّٰهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ ... (النور/۳۵) - ... يَضِلُّ اللّٰهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ... (المدثر/۳۱) - ... وَ اَن اللّٰهُ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ (الحج/۱۶). در این زمینه قابل توجه است که خداوند

متعال هدایت انسانها را حتی به حضرت رسول (ص) هم منتسب نمی‌کند و آن را منحصر به خود می‌داند، چنانکه می‌فرماید: لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ... (البقره/۲۷۲) - اِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ اَحْبَبْتَ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ... (القصص/۵۶).

۷- فضل و رحمت و تزکیه

خداوند "هر کس را بخواهد" شامل فضل و موهبت خود قرار می‌دهد. چند نمونه از آیات که به این موضوع اشاره دارند، عبارتند از: ... قُلْ اِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللّٰهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ... (آل عمران/۷۳) - ... ذَلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ... (المائدة/۵۴، الحديد/۲۱، المائدة/۵۴، الجمعة/۴). همچنین خداوند "هر کس را بخواهد" شامل رحمت و خیر و برکت خود قرار می‌دهد. چند نمونه از آیات که به این موضوع اشاره دارند، عبارتند از: ... وَاللّٰهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ ... (البقره/۱۰۵) - يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ ... (آل عمران/۷۴) - ... لِيَدْخُلَ اللّٰهُ فِي رَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ ... (الفتح/۲۵) - يَدْخُلُ مَن يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ ... (الإنسان/۳۱). یکی از آثار فضل و رحمت الهی، تزکیه و پاکی است و خداوند "هر کس را بخواهد" پاک و مزکی می‌کند. ... وَ لَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ مَا زَكَايَ مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَ لٰكِنَّ اللّٰهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ ... (النور/۲۱) - ... بَلِ اللّٰهُ

يُزَكِّي مَن يَشَاءُ ... (النساء/۴۹).

۸- مغفرت و عذاب

خداوند "هر کس را بخواهد" می‌بخشد و به او رحم می‌کند و از گناهانش درمی‌گذرد و "هر کس را بخواهد" به خاطر گناهانش عذاب می‌کند. چند نمونه از آیات که به این موضوع اشاره دارند، عبارتند از: ... يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَ يَعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ... (آل عمران/۱۲۹) - ... يَعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ ... (المائدة/۴۰) - يَعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَ يَرْحَمُ مَن يَشَاءُ وَ اِلَيْهِ تُقْلَبُونَ (العنكبوت/۲۱).

۹- رسول، امام و حاکم

یکی از موضوعاتی که تنها در اختیار خداوند است و "هر کس را او بخواهد" انتخاب و برگزیده می‌شود، رسالت و امامت و حاکمیت امت است. از آنجا که رسول، امام، ولی و حاکم وظائف مهمی از جمله راهبری مردم را بعهده دارند، باید بهترین و شایسته‌ترین مردم باشند. در نتیجه آنها را تنها خداوند انتخاب می‌کند و دیگران اختیاری در این باب ندارند. وَ رَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ ... (القصص/۶۸) - ... اللّٰهُ يَجْتَبِي اِلَيْهِ مَن يَشَاءُ



از شرایط اصلی اصابت
خواست خداوند در مورد
یک نفر، شایستگی‌ها و
قابلیت‌های اوست. شاید
بتوان گفت شایستگی
و قابلیت هر انسانی با
چهار اصل و قاعده در
ارتباط هستند: سعی و
تلاش و صبر، ایمان و
تقوی، یاری دین خدا و
استمداد از خدا.

خواست و اراده خداوند است. از اینرو است که دستور داده شده است حتی در اظهار انجام کارهایمان، بگوئیم ان شاء الله، کما اینکه چنین آمده است، وَ لَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا - إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ... (الکهف/ ۲۳ و ۲۴). بنابراین برای انجام کارها و اقدامات خود، شایسته است علاوه بر آنکه طبق دستورات، سنن و قوانین الهی برنامه‌ریزی و همت می‌کنیم، از خداوند درخواست کمک کنیم.

۴- خداوند وعده داده است اگر بندگان ایمان داشته باشند و عمل صالح انجام دهند و در برابر پروردگار خاشع باشند، در بهشت مستقر خواهند شد. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَحَبُّوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (هود/ ۲۳). جالب آنکه به اهل بهشت شمه‌ای از خواست خداوند عطا می‌شود. هر چه اهل بهشت بخواهند برایشان فراهم است. ... لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ ... (النحل/ ۳۱ و الفرقان/ ۱۶) - لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ (ق/ ۳۵). هر چه دلشان بخواد و چشمشان لذت ببرد موجود است. ... وَ فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلذُّ الْأَعْيُنُ ... (الزخرف/ ۷۱).

امیدوارم خداوند چنین بخواهد که همه ما به فضل و کرم او از اصحاب بهشت قرار گیریم. انشاء الله.

به چه کسی علم دهد یا چه کسی را یاری دهد. در واقع هر خواست خداوند دارای دلایلی متقن و حکیمانه دارد. در باب این نکته به ذکر سه مثال می‌پردازیم. خدا کسی را نصرت و یاری می‌دهد که او را دین او را یاری دهد، ... وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ ... (الحج/ ۴۰). خدا میزان بسط روزی بندگان را موجب طغیان آنها می‌داند و بنابراین به اندازه خاصی روزی می‌دهد، وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِن يَنْزِلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ ... (شوری/ ۲۷). خدا کسی را که توبه و انابه کند هدایت می‌کند، ... وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَن أُنَابَ (الرعد/ ۲۷).

۲- از شرایط اصلی اصابت خواست خداوند در مورد یک نفر، شایستگی‌ها و قابلیت‌های اوست. شاید بتوان گفت شایستگی و قابلیت هر انسانی با چهار اصل و قاعده در ارتباط هستند: سعی و تلاش و صبر، وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (النجم/ ۳۹)، ایمان و تقوی، وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ ... (الأعراف/ ۹۶)، یاری دین خدا، ... إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامُكُمْ (محمد/ ۷) و استمداد از خدا، وَ قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ... (غافر/ ۶۰).

۳- اختیار و خواست ما انسانها در طول

... (شوری/ ۱۳) - اللَّهُ يَصْطَفِي مَنِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَ مَنِ النَّاسِ ... (الحج/ ۷۵) - ... وَ اللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ ... (البقرة/ ۲۴۷). در واقع خداوند نسبت به انتخاب رسول خود از همه آگاهتر است. ... اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَل رِسَالَتَهُ ... (الأنعام/ ۱۲۴). دو نمونه صریح از انتخاب و جعل امام و حاکم عبارتند از حضرت ابراهیم و جناب طالوت. ... قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ ... (البقرة/ ۱۲۴) - وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيَّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا ... (البقرة/ ۲۴۷). مسلما اگر عده‌ای در اختیار انحصاری خداوند برای انتخاب امام و ولی دخالت نمی‌کردند و به انتخاب خدا در غدیر خم گردن می‌نهادند، امروز شاهد این همه تشست، سرگردانی و هرج و مرج در جهان اسلام نبودیم و گروه‌هایی همچون وهابیت، القاعده، تکفیری و داعش اینقدر با نام اسلام کجروی و جنایت و خیانت نمی‌کردند.

در انتها توجه به چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

۱- بارها در آیات قرآن تاکید شده است که: ... وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. بنابراین بطور منطقی نتیجه می‌شود که خواست خداوند عالم و حکیم و به عبارت دیگر کلمات منتسب به او همچون "یشاء" در راستای حکمت و علم او قرار دارند. او بر اساس حکمت خود اراده می‌کند به چه کسی روزی زیاد دهد، چه کسی را هدایت کند،

پیوند دانشگاه با صنعت

دکتر فرزانه حدادی - عضو هیأت علمی
دانشگاه علم و صنعت
farzanhaddadi@yahoo.com



استفاده از پتانسیل دانشگاه برای رفع مشکلات صنعت همواره به صورت یک آرزو باقی مانده است. هر زمان که نیروهای دانشگاهی برای همکاری با صنعت کشور قدم پیش گذاشته‌اند با بی‌اعتمادی صنعت روبرو شده‌اند و هر بار که صنعتی نیز به امید برآورده شدن نیازهایش از دانشگاه درخواست کمک کرده ناکام مانده است. نیروهای دانشگاهی انتظار دارند صنعت از تحقیقات بنیادی پشتیبانی مالی به عمل آورد و صنعت نیز گله دارد که دانشگاه قادر به انجام یک کار جدی صنعتی نیست.

نظام دانشگاهی ایران یک نظام کپی‌برداری شده از غرب است که قادر به برقراری ارتباط با نیازهای روزمره محیط زندگی خودش نیست. در غرب مطالعه این درس و پیگیری این نوع تحقیقات و در این سطح از فناوری واقعاً منجر به کاربردهای صنعتی می‌شود اما در ایران همان درس و همان تحقیقات و مقالاتی که در مجلات غربی یا داخلی و با استانداردهای غربی به چاپ می‌رسند هیچ نسبتی با فناوری داخلی برقرار نمی‌کنند. چرا که سطح فناوری ایران با کشورهای غربی یکی نیست. نتیجه این که برای پیشرفت صنعت و فناوری پرداختن به علوم که در غرب موثر است در ایران موثر نخواهد بود. در ایران زیرساخت‌های لازم برای بکار بستن دانش‌های سطح اول جهانی وجود ندارد. البته این بدان معنا نیست که از دولت یا سرمایه‌گذاران بخش خصوصی درخواست کنیم اقدام به ایجاد چنین زیرساخت‌هایی نکنند. وقتی کارخانه ساخت قطعات نیمه‌هادی در یک کشور وجود ندارد معنایش و علتش این است که هزاران تخصص و صنعت مرتبط با آن نیز در آن کشور وجود ندارند و بنابراین در یک نگاه سیستمی

تنها ایجاد بخشی از اکوسیستم مورد نیاز صنعتی هرگز منجر به یک راه‌حل پایدار نخواهد شد.

علم صحیح و مناسب هنگامی به وجود می‌آید که دانشگاه در ارتباط نزدیک با صنعت بومی خودش باشد. البته این علم چیز متفاوتی از علم غربی نیست و روابط ریاضی جدیدی نیز بر آن حاکم نیستند اما همه می‌دانیم که در داخل دریای وسیع علوم کنونی بی‌نهایت انتخاب هست. لزومی ندارد ما دنبال همان صورت مساله‌هایی باشیم که برای غربی‌ها مطرح شده است. اولین گام برای برقراری ارتباط با صنعت آموزش است. متأسفانه دانشگاه که خود را در قله علم می‌بیند حاضر به آموزش دیدن خصوصاً در حوزه فناوری نیست. آموزش فناوری از این جهت اهمیت دارد که موجب برقراری زبان مشترک میان صنعت و دانشگاه می‌شود. اگر همیشه دانشگاه آموزش داده و صنعت آموزش گرفته است لازم است یک جریان دایمی نیز وجود داشته باشد که در آن صنعت آموزش بدهد و دانشگاه بیاموزد.

مساله دوم لزوم انس با فضای عملگرایی در دانشگاه است. همانطور که انس با یادگیری و تحقیق موجب پرورش ذهن دانشجویان و اساتید می‌شود انس با کارهای عملی و تماس دایمی با آزمایشگاه نیز موجب تقویت اعتماد به نفس عملی و کسب تجربه در دانشگاه می‌شود. این موضوع را نباید با آزمایشگاه‌های رسمی دوره آموزشی دانشگاه اشتباه گرفت. این

آزمایشگاه‌ها واجد فایده اندکی هستند چرا که در آنها تمام دستور کارها مشخص و همه لوازم آماده هستند. سوالات و جوابهای آنها مشخص است. بنابراین ما در آزمایشگاه کمتر ریسک می‌کنیم و انتخاب‌های محدودی داریم. کار عملی واقعی یعنی در نظر گرفتن یک هدف شخصی و تلاش برای تحقق آن با تمام ابزارهای ممکن. یعنی مطالعه آزاد و خرید از بازار و ممارست عملی با قطعات و فرآیندها. یعنی رفتن تمام راهها و این است که به ما یاد می‌دهد که واقعاً کدام راه‌ها جواب خواهد داد.

راهکار سوم برای نزدیک کردن دانشگاه و صنعت تلاش مداوم برای قرار گرفتن در فضای نیازهای صنعت است. اگر ما با آموزش صنعتی پیش‌نیازهای لازم برای کار را پیدا کرده باشیم و اگر با مداومت در کار عملی ابزار لازم برای تحقق ایده‌هایمان را به دست آورده باشیم لازم است آگاهی گسترده درباره نیازهای صنعت نیز پیدا کنیم تا در صورت تطبیق آن با توانایی‌هایمان بتوانیم در راستای رفع آنها اقدام کنیم. اینها شامل ارتباط گیری با انواع صنایع و مذاکره و کسب اطلاع درباره نیازمندی‌های فعلی صنعت کشور است. سه راهکار فوق می‌بایست همه در کنار هم به کار برده شود تا ثمربخش باشد و نقصان هر یک موجب ناتمام ماندن تلاش‌ها برای پیوند دانشگاه با محیط بومی کشورمان خواهد شد.



لیله القدرِ عمر سعد



شهید سیدمرتضی آوینی



مرداب که روزگاری با اقیانوس های آزاد پیوند داشته است هنوز نشانی از حیات باشد، شاید در این مدفون تاریکی که عمرسعد فطرت الهی خویش را در آن به خاک سپرده است هنوز روزنه ای رو به آفتاب گشوده باشد. امام آفتاب کرامتی است که خود را از ویرانه ها نیز دریغ نمیکند. آسمان را دیده ای که چگونه در گودالهای حقیر آب نیز می نگرند؟ آب را دیده ای که چگونه پست ترین دره ها را نیز از یاد نمی برد؟ چگونه میتوان کار پاکان را قیاس از خود گرفت؟ امام را با خداوند عهدی است که غیر او را در آن راهی نیست، و بر همین پیمان است که امام پای می فشارد.

نه، این راز نه رازی است که با من و تو در میان نهند. ولایت امام بر مخلوقات ولایت خداست، یعنی همه ذرات عالم، از پای تا سر، بقایشان به جذبه عشقی است که آنان را به سوی امام می کشد، اما خود از این جذبه بی خبرند. اگر او کشکشانه ما را به کوی خود نکشد، و بر پای خویش رهایمان کند، یاران! همه از راه باز می مانیم. آسمان را دیده ای که از او بلندتر هیچ نیست، اما در گودال های حقیر آب نیز می نگرند؟ امام در وجود عمرسعد در جست و جوی نشانی از دریاست؛ دریای آزاد، دریایی که به اقیانوس راه دارد. زهیر بن قین هر چند

نزدیک شوی." ابن سعد گاهی مایملکش را بهانه کرد و گاهی خانواده اش را... تا اینکه امام امید از رو بازگرفت و برخاست که بازگردد درحالی که می گفت: "چه می اندیشی؟ آیا نمی دانی که به زودی تو را در بستر خواهند کشت و در قیامت نیز رحمت خدا از تو دریغ خواهد شد؟ امیدوارم از گندم عراق جز اندک زمانی بهره مجویی." و این سخن دامی است که دهر در کمین ابن سعد گسترده است تا لب به تمسخر بگشاید که: "اگر به گندم دست نیافتم، جو که هست!" و با این سخن به پرتگاه لعنت خدا درافتد. آیا هنوز عمرسعد را امید نجاتی هست؟

تلاش امام برای آنکه عمرسعد را از ورطه ای که در آن گرفتار افتاده بود نجات بخشد به جایی نرسید. در تاریخها آمده است که امام تا پیش از عصر تاسوعا بارها با او به گفت و گو نشست و اگر چه از آنچه در این دیدارها گذشته است جز همان مختصر که ذکر شد هیچ چیز نمیدانیم، اما سیره سیاسی امام حسین(ع) از آنچنان روشنایی و صفاتی برخوردار است که هیچ جای شبهه ای باقی نمی گذارد.

راوی پر روشن است که امام حسین(ع) در مرداب وجود عمرسعد به جست و جوی کدام گوهر نابی آمده است؟ شاید در این

عمر بن سعد ابی وقاص نخست مایل نبود که امر میان او و امام حسین(ع) به پیکار کشد...

هر کسی را لیل القدری هست که در آن ناگزیر از انتخاب خواهد شد و عمرسعد را نیز ساعتی اینچنین فرا خواهد رسید. اما اکنون او می گریزد و دهر نیز در کمینش، که او را به این لیل القدر بکشاند.

عمر بن سعد فرزند سعد ابی وقاص است، فاتح قادسیه؛ و یکی از آن ده تنی که می گویند رسول خدا(ص) هنگام مرگ از آنان رضایت داشته است. هنوز نیم قرن از رحلت رسول خدا نگذشته، این پسر سعد ابی وقاص است که در برابر فرزند رسول الله و وصی او ایستاده است. ابن سعد تلاشی بسیار کرد تا کارش به پیکار با حسین بن علی(ع) نکشد، اما دهر هیچ کس را ناآزموده رها نمی کند؛ صبورانه در کمین می نشیند تا تو را به دام انتحان در آرد و کارت را یکسره کند که **إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ**.

از گفت و گوهایی که پیش از تاسوعا بین ابن سعد و امام گذشته است خوب میتوان دریافت که او کیست. امام می فرماید: "مگر از خدای پروا نداری؟ خدایی که معادت به سوی اوست. عزم پیکار با من کرده ای حال آنکه مرا نیک می شناسی و میدانی که فرزند کیستم. بیا و این قوم را واگذار و با من همراه شو تا به خدا





خود نمی خواست، اما امام آن عهد فراموش شده را با او تازه کرد.

عمرسعد نمی خواست که کار او با امام به پیکار بیانجامد. این حقیقت از مطلع نامه ای که به ابن زیاد نگاشته معلوم است: "خداوند آتش را خاموش کرد و اتفاق برقرار شد و کار امت به صلاح آمد... با این همه قصد دارد باطن خود را از ابن زیاد کتمان کند. اما ابن زیاد زیرکتر از این بود که فریب عمرسعد را بخورد و گفت: "این نامه مرد خیرخواهی است که امیر خویش را اندرز گفته و دل بر قوم خویش سوزانده است".

دست تقدیر همه لوازم را یکجا گرد آورده است تا آنچه باید به انجام برسد. شمر بن ذی الجوشن نیز حاضر است تا ابن زیاد را با سخنان خویش در آنچه قصد کرده است تشجیع کند... اگر خداوند انسان را رها کند، دهر نیز با او همداستان می شود. اما به راستی مگر تا کجا می توان شرور بود که خداوند انسان را در کاری اینچنین زشت یاری کند؟ شمر از جانب ابن زیاد مأمور شد تا امریه او را به عمرسعد برساند و اگر آن شور بخت از جنگ با حسین (ع) سر باز زد، خود به جای او بنشیند و عمرسعد را گردن بزند و سرش را برای ابن زیاد بفرستد. او نامه ابن زیاد را به عمرسعد رساند و منتظر ماند تا جواب آن را دریافت کند. ابن زیاد نوشته بود: "من تو را به

جانب حسین فرستاده ام که دست از او برداری و وقت را بیهوده بگذرانی. بنگر که اگر حسین و اصحابش تسلیم رأی من شدند، آنان را به مسالمت نزد من گسیل دار و اگر نه... بر آنان حمله بر و خونشان را بریز و پیکرشان را مثله کن که حق آنان این است. آنگاه که حسین کشته شد، او را زیر سم ستوران بینداز و بر سینه و پشتش اسب بتاز، که ناسپاس است و مخالف. من می دانم که این کار پس از مرگ او را زبانی نخواهد رساند، اما عهد کرده ام که با او این چنین کنم. چنان که به امر ما عمل کنی، پاداشت پاداش کسی است که مطیع فرمان بوده است، اگر نه، از مقام خود کناره گیر و امر لشکر را به شمر بن ذی الجوشن بسپار که باقی را او خود میدانند".

عمرسعد به روشنی دریافت که شمر بن ذی الجوشن در این میان چه کرده است. او می دانست که حسین بن علی تسلیم نخواهد شد. این جمله ای است که از او در وصف حسین (ع) نقل کرده اند که خطاب به شمر گفته است: "و الله همان دلی که علی داشت در میان دو پهلوی پسرش نهاده اند." آنگاه فرماندهی لشکر پیاده را به او سپرد و آماده جنگ شد. شامگاه تاسوعا عمرسعد چون قصد کرد که حمله را آغاز کند فریاد کرد: "یا خیل الله، ارکبى و ابشرى! لشکر خدا سوار شوید مرّده باد شما را بهشت." و

عجبا! این همان کلامی است که پدرش سعد ابی وقاص در جنگ قادسیه بر زبان آورده بود. آیا به راستی عمر بن سعد نمی داند که چه می کند، یا خود را به نادانی زده است؟

راوی هنوز نیم قرن از حجه الوداع نگذشته، امت محمد (ص) تیغ بر اوصیای او کشیده اند و با نام اسلام، قلب اسلام را که امام است، میدرند! اجسامشان به جانب قبله نماز می گذارند، اما ارواحشان هنوز همان اصنامی را می پرستند که ابراهیم شکسته بود. اجسامشان به جانب قبله نماز می گذارند، اما ارواحشان با بطن قبله که امامت است، پیکار میکنند. جاهلیت ریشه در درون دارد و اگر آن مشرک بت پرست که در درون آدمی است ایمان نیاورد، چه سود که بر زبان ((لا اله الا الله)) برانند؟ آن گاه جانب عدل و باطن قبله را رها می کند و خانه کعبه را عوض از صنمی سنگی می گیرد که روزی پنج بار در برابرش خم و راست شود و سالی چند روز گرداگردش طواف کند و ای کاش تا همین جا بسنده می کرد و قلب قبله را با تیغ نمی درید!

عجبا! جهان را ببین که چه سان وارونه می شود! اَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؟



تحریم‌های یک توافق!



آنچه که باعث تعجب و تأسف است، آنکه علیرغم این همه تحریم‌های جدید علیه ایران پس از توافق‌نامه ژنو، عکس‌العمل مجموعه دولت حداکثر ذکر جمله تکراری و بی‌اثر "اینها خلاف روح توافق‌نامه است" بوده است. سؤال این است که چرا گفته نمی‌شود "اینها خلاف متن توافق‌نامه است؟!؟! البته وقتی هدف فقط و فقط رسیدن به هر نوع توافقی در مدت زمان معینی (صد روز اول دولت) باشد چنین خطبی قابل انتظار است. با توجه به آنکه فرمانده مذاکره‌کنندگان، خود را حقوق‌دان می‌دانند، انتظار آن است در آستانه اتمام مدت این توافق‌نامه که آن را فتح‌الفتوح دانسته‌اند، اولاً بار دیگر هدف رسیدن به توافق به هر قیمتی نباشد، ثانیاً توافق احتمالی را لاقلاً از نظر حقوقی به دقت بررسی کنند.

تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران پس از توافق ژنو		
<p>تاریخ ۱ ۲۱ آذر ۱۳۹۲</p> <p>اسامی تحریم‌شدگان ۴ شرکت خارجی و ۵ نهاد ایرانی</p> <p>اندامی آمریکا وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد که این شرکتها از برنامه هسته‌ای ایران حمایت می‌کنند.</p>	<p>تاریخ ۲ ۴ بهمن ۱۳۹۲</p> <p>اسامی تحریم‌شدگان وضع جریمه ۱۵۲ میلیون دلاری به بانک کلیراستریم آلمان</p> <p>اندامی آمریکا به دلیل داشتن مرادوات بانکی با ایران</p>	<p>تاریخ ۳ ۸ بهمن ۱۳۹۲</p> <p>اسامی تحریم‌شدگان بانک روسی «بانک ماسکوا» ۹/۴ میلیون دلار جریمه شد</p> <p>اندامی آمریکا نقض تحریم‌های یک جانبه واشنگتن علیه ایران</p>
<p>تاریخ ۴ ۱۷ بهمن ۱۳۹۲</p> <p>اسامی تحریم‌شدگان ۱۸ شرکت و ۱۴ فرد ایرانی</p> <p>اندامی آمریکا نقض تحریم‌های نقل و انتقال مالی و فروش نفت</p>	<p>تاریخ ۵ ۱۷ بهمن ۱۳۹۲</p> <p>اسامی تحریم‌شدگان یک شهروند تبعه ترکیه</p> <p>اندامی آمریکا تلاش برای دستیابی به مهندسی معکوس یک قایق تندرو جنگی برای ایران</p>	<p>تاریخ ۶ ۱۷ بهمن ۱۳۹۲</p> <p>اسامی تحریم‌شدگان چند تن از اعضای سپاه پاسداران</p> <p>اندامی آمریکا حمایت از گروه‌های شبه نظامی</p>
<p>تاریخ ۷ ۹ اردیبهشت ۱۳۹۳</p> <p>اسامی تحریم‌شدگان ۸ شرکت چینی و ۲ شرکت دردی</p> <p>اندامی آمریکا دور زدن تحریم‌ها و مبادلات تجاری با ایران</p>	<p>تاریخ ۸ ۱۹ تیر ۱۳۹۳</p> <p>اسامی تحریم‌شدگان درخواست جریمه ۵۰۰ میلیون دلاری از کومرتس بانک، دومین بانک بزرگ آلمان</p> <p>اندامی آمریکا به دلیل نقض تحریم ایران که البته هنوز نهایی نشده است</p>	<p>تاریخ ۹ ۲۲ تیر ۱۳۹۳</p> <p>اسامی تحریم‌شدگان جریمه ۸ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلاری بانک فرانسوی بی ان بی پاریباس</p> <p>اندامی آمریکا به اتهام مرادوات بانکی با ایران</p>
<p>تاریخ ۱۰ ۷ شهریور ۱۳۹۳</p> <p>اسامی تحریم‌شدگان موسسه علوم هسته‌ای و تحقیقات فناوری، شرکت‌سازه مرکب و سازمان نوآوری و تحقیقات دفاعی، شش نفتکش ایرانی، ۸ شخص حقیقی از ایران، ترکیه و سوئیس</p> <p>اندامی آمریکا نقض تحریم‌های هسته‌ای و موشکی</p>	<p>تاریخ ۱۱ ۷ شهریور ۱۳۹۳</p> <p>اسامی تحریم‌شدگان بانک آسیا، بانک قرض الحسنه رسالت (تمام شعب در جهان)، بانک قوامین (تمام شعب در جهان)، موسسه مالی «گلدن تکس»، بانک خاورمیانه بانک بین‌المللی کیش و بانک کفالت تاجیکستان</p> <p>اندامی آمریکا نقض تحریم‌های هسته‌ای و موشکی</p>	<p>تاریخ ۱۲ ۷ شهریور ۱۳۹۳</p> <p>اسامی تحریم‌شدگان شرکت پشتیبانی هوانوردی آسیا، خطوط هوایی کاسپین، شرکت ایتالیایی «دین اس‌پی‌ای»، شرکت جهان‌تک‌رویان پارس، شرکت‌مادگار بسپار کیمیا و خطوط هوایی معراج</p> <p>اندامی آمریکا نقض تحریم‌های هسته‌ای و موشکی</p>
<p>اعمال بیش از ۸۰ تحریم پس از توافق ژنو</p>		
<p>پسته کاهش تحریم در توافق موقت ژنو به اقتصاد ایران کمکی نکرده است... ما سال گذشته زمانی که برنامه اقدام مشترک را اعلام کردیم، گفتیم که انتظار نداریم پسته کاهش تحریم‌ها در توافق ژنو اقتصاد ایران را بهبود بخشد، و این پسته این کار را نکرده است... شرکت‌ها دلایل خوبی برای تردید در زمینه تجارت با ایران دارند. عمده تحریم‌ها پابرجا هستند و ما قویاً قصد داریم که به اجرای تحریم‌های سخت ادامه دهیم... معتقدیم منابع لازم برای تضمین این که تحریم‌ها به شیوه مؤثر اجرا می‌شوند را در اختیار داریم و تحریم‌ها را ادامه خواهیم داد</p>		
<p>دیوید کوهن معاون وزارت خزانه‌داری آمریکا</p>		



بیانیه بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران در مورد صدور حکم اعدام روحانی بزرگ شیعه شیخ نمر النمر



إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (احقاف ۱۳)
آنان که گفتند: آفریننده ما خداست و بر این سخن پایدار و ثابت ماندند بر
آنها هیچ ترس و بیمی و حزن و اندوهی (در دنیا و عقبی) نخواهد بود.

برای رژیم غاصب آل سعود ایجاد خواهند نمود.

بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران ضمن محکوم نمودن این حکم ظالمانه رژیم آل سعود از مسئولان جمهوری اسلامی مصرانه می‌خواهد که از طرق دیپلماتیک و روش‌های قانونی به حمایت از این روحانی مظلوم پرداخته و مانع از اجرای این حکم گردند. همچنین از جامعه دانشگاهیان محترم انتظار می‌رود با حرکتی فراگیر به حمایت از این بزرگ مظلوم عصرمان برخیزیم. امید که ریشه ظالمان آل سعود به زودی از این کره خاکی برچیده شود که:

فَقَطِّعْ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (انعام ۴۵)

پس ریشه گروه ظالمان مقطوع است؛ و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است.

درد خداوند و فرشتگان و اولیاء مقربش بر فخر عالم تشیع شیخ نمر النمر

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران

۹۳/۷/۲۷

به راستی وقاحت و لادینی، حکام غاصب آل سعود را به چه ورطه‌ای از هلاکت و فلاکت افکنده است؟ این خاندان جنایتکار با وقاحت تمام با اشغال بحرین به کشتار شیعیان آن کشور اقدام می‌نمایند و از طرف هیچ سازمان یا دادگاه بین‌المللی مواخذه نمی‌شوند. ایشان به حمایت‌های ارباب جنایتکارتر از خودشان یعنی ایالات متحده دل خوش نموده‌اند و روز به روز در سرکوب حرکت‌های آزادی‌خواهانه جاری تر و سبع‌تر می‌شوند. امید است کسانی که در داخل کشور هنوز به این رژیم دست‌نشانده غرب، چشم دوستی دوخته‌اند، از این ساده لوحی دست کشیده و ماهیت ضد‌بیداری اسلامی آن را بیش از پیش درک کنند.

بدون شک اجرای حکم اعدام این روحانی بزرگ خط قرمز شیعیان جهان و اعلان جنگ به هر نوع تفکر آزادیخواهی و همه‌آزادگان جهان است. رژیم پوسیده و فرتوت آل سعود باید بدانند که با اجرای این حکم، فرآیند آغاز اضمحلال و نابودی خود را کلید زده است. بی‌شک، مسلمانان جهان در مقابل این ظلم آشکار ساکت نخواهند نشست و چالش‌هایی اساسی

بار دیگر رژیم غاصب، خائن و اشغالگر آل سعود ماهیت ضد بشریش را با صدور حکم اعدام برای یک متفکر و مبارز شیعه به نمایش گذاشت. متفکری که تنها ابزار مبارزه‌اش زبانش و قلمش بود. شیخ نمر النمر از بارزترین علمای شیعه در شبه جزیره حجاز می‌باشند که سال‌های متمادی از عمر پربرکتشان را صرف احیای تعالیم اسلام ناب محمدی (ص) و ولایت حقه حقیقه اهل بیت (ع) در آن شبه جزیره نمودند. این مبارز نستوه در ظلمات مطلق سلطه آل سعود و وهابیت بر بلاد حرمین شریفین جزو معدود کسانی بود که لب و قلم به افشاگری گشود و راه راست و حق‌اهلبیت را برای مردم تبیین نمود. به همین خاطر حاکمانی که دل‌های سیاهشان آکنده از بغض اهل بیت نبوت و طهارت (علیهم‌آلاف‌التحیه و الثناء) بود، تحمل سخنان و نوشته‌هایش را ننمودند و با یورش ناخوانمردانه بدو وی را با تنی زخمی به بند کشیدند. اکنون و پس از سال‌ها حبس و شکنجه روحی و جسمی با تشکیل یک بی‌دادگاه فرمایشی حکم اعدام این انسان وارسته را صادر نمودند.





عزاداری محرم

با توجه ورود به ایام سوگواری حضرت اباعبدالله... الحسین(ع)، مطابق سنوآت قبل عزاداری در شب‌های دهه اول محرم در مسجدالشهداء دانشگاه برگزار می‌گردد. همچنین حرکت باشکوه دسته عزاداری دانشگاهیان دانشگاه روز دوشنبه پنجم مهرماه پس از نماز جماعت ظهر و عصر انجام خواهد شد. در این راستا هیئت امام محمد باقر(ع) نیز از تمامی دانشگاهیان بویژه اساتید مومن و عاشورائی دانشگاه دعوت بعمل آورده است که در این برنامه‌ها شرکت فعال داشته باشند.

هجوم به ایمیل اساتید

مدتی است بطور گسترده و لحظه به لحظه، ایمیل‌های اساتید محترم مورد هجومه قرار می‌گیرد. برخی افراد که گویا نظام اسلامی و دانشگاه را با اماکن دیگر اشتباه گرفته‌اند و همه را همانند خود اپوزسیون نظام یا بیکار فرض کرده‌اند، بطور گسترده و مستمر ایمیل‌های مجرمانه دست چندم بعضی سایت‌های مسدود شده ضد انقلاب و معلوم الحال را برای اساتید محترم دانشگاه که غالباً در حال مطالعه و پژوهش هستند، می‌فرستند. عدم توجه مسئولین مربوطه برای جلوگیری از بهتان‌ها و اهانت‌ها و تشویش اذهان عمومی تا جایی ادامه دارد که حتی اخیراً ایمیلی با عنوان «فروش پکیج فیلم‌های ج ن س ی» برای اساتید فرستاده شده است. از آن جا که راه کار حداکثری مسئولین محترم نسبت به این اعمال غیر قانونی و غیر شرعی «خواهش کردن» از خاطی و مجرم برای توقف کارش می‌باشد، خوب است در این موارد نیز از این اهرم بسیار قوی و مؤثر بار دیگر استفاده فرمایند!

یک سؤال

فکر می‌کنید در نیمسال جاری، چند کلاس حل تمرین دقیقاً در ساعات اقامه نماز ظهر و عصر برای دانشجویان دانشگاه بصورت رسمی و حتی اجباری در حال برگزاری است؟ (خواستیم تعداد ذکر نگردد تا قبح کار از بین نرود)

یک ارتقاء عجیب

اخیراً در یک حرکت عجیب، اقدام به ارتقاء یکی از اساتید فعال در جریان فتنه گردید. پرونده ایشان در مدیریت گذشته با توجه به سوابقشان در فتنه، مطابق قانون، تأیید نشده بود. یک مسئله منحصر به فرد در این اقدام آن است که اصرار بر این بوده تا این پرونده بر اساس قانون آن زمان (یعنی سال ۸۸) بررسی گردد!!! و تاریخ ارتقاء هم از همان زمان ثبت گردد!!! سؤالاتی که اکنون برای اعضای محترم هیات علمی مطرح است این که اولاً آیا اصولاً هیئت ممیزه فعلی، که اخیراً منصوب شده است، می‌تواند با قانون هیئت ممیزه چندین سال پیش تصمیم بگیرد؟ ثانیاً اگر به هر دلیلی پرونده ارتقاء یکی از اساتید دیگر، در جلسات آتی هیات ممیزه فعلی تأیید نشود و مدتی بعد تأیید گردد، آیا ارتقاء را به تاریخ گذشته خواهند زد؟ ثالثاً مبنای قانونی چنین اقدامات تبعیض آمیز و غیر منطقی و پرداخت‌های مالی از بیت المال بدین منظور چه خواهد بود؟

منشور اخلاقی

بر اساس شنیده‌ها دانشجویان در هنگام ثبت نام دیگر موظف نیستند منشور اخلاقی را مطالعه و امضا کنند!

وضعیت هتاکان

بر اساس اطلاعات و مشاهدات، حکم هتاک اول مبنی بر اخراج از دانشگاه از وزارت علوم صادر شده ولی دانشگاه علی‌رغم آن که عمل وی از مصادیق مجرمانه‌ای است که طبق قوانین جزایی کشور باید در قوه قضاییه نیز طرح گردد (و حداقل از ۶ ماه تا دو سال زندانی دارد و البته در این مدت حق حضور در دانشگاه را هم ندارد)، متأسفانه پرونده وی را به قوه قضاییه ارجاع نداده است و وی همچنان به تدریس خود ادامه داده و به ایمیل پراکنی و فعالیت‌های جانبی خود مشغول است. در مورد هتاک دوم نیز (علی‌رغم اینکه بر اساس شنیده‌ها حدود یک ماه است که از این شخص شکایت شده است) تا کنون هیچ اقدام مؤثری از طرف مسئولین دانشگاه انجام نگردیده و پرونده وی به وزارت علوم و قوه قضاییه ارسال نشده است.

عاشورا نتیجه فراموشی پیمان غدیر

مروری مختصر بر وقایع صدر اسلام، از غدیر خم تا آغاز خلافت امیرالمؤمنین



در سال دهم هجری رسول خدا (ص) به آخرین حج خود مشرف شدند و در خطبه ی معروف خود فرمودند: «مردم، نمی دانم شاید سالی دیگر شما را در اینجا بینم یا نه. از امروز خون و مال شما بر یکدیگر حرام است تا آنکه خدا را دیدار کنید». هنگام بازگشت از مکه در منزل جُحفه که کاروان ها از یکدیگر جدا می شوند و غدیر خم نام گرفته است به امر خدا دستور دادند که تمام مردم در آنجا بمانند و در آن مجمع خطبه ای ایراد فرمودند و علی (ع) را به جانشینی خود به آنان معرفی کردند و در جمله ای معروف فرمودند: «هر کس من مولای اویم، علی مولای اوست».

اما دو ماه پس از آخرین حج، رسول خدا رحلت فرمودند و دنیاطلبان علی (ع) را واگذارند و از گرد او پراکنده شدند و ابوبکر در سقیفه بنی ساعده برای خلافت رسول خدا انتخاب شد. در آن روز تنها کسی که می توانست به دفاع از سنت رسول برخیزد، دختر پیغمبر (ص) بود. همانطور که در مقاله رویکرد سیاسی حضرت فاطمه در شماره سوم نشریه بیان شد، زهرای مرضیه در دفاع از امیرالمؤمنین بسیار تلاش نمودند؛ تا جایی که بر اساس اذعان بسیاری از محققان تاریخی، ایشان، اولین و موثر ترین مدافع حریم ولایت علی (ع) بودند. اما از رحلت رسول خدا زمان زیادی نگذشت که همسر علی (ع)، زهرای اطهر به جوار حق شتافت.

پس از به خلافت رسیدن خلیفه اول، ابوسفیان که تا توانست با پیغمبر (ص) جنگید و در فتح مکه از بیم کشته شدن به سفارش عباس عموی پیغمبر (ص) به زبان مسلمان شد و در دل دشمن اسلام بود، فرصت را غنیمت شمرد و نزد علی (ع) آمد و گفت: «چه شده است که کار حکومت را باید پست ترین خاندان از قریش عهده دار شود. به خدا اگر بخواهی مدینه را پر از سوار و پیاده می کنم». علی (ع) گفت: «ابوسفیان از دیرباز دشمن اسلام بوده ای». علی (ع) از آنچه در دل او بود

و از آنچه در بیرون می گذشت آگاه بود و دانست برای باقی ماندن نام مسلمانی باید خاموش بنشیند. امام در توجیه سکوت خود به این سخن هارون در برابر موسی (ع) استناد کرده اند که گفت: انی خشیت ان تقول فرقت بین بنی اسرائیل. البته این بدان معنا نبود که امام از فرصت های مناسب برای احقاق حق از دست رفته خود تلاش نکند. آن حضرت در همان مرحله نخست تا چند ماه از بیعت خودداری کرد. به علاوه در همان روزهای نخست، دست زن و فرزندان خود را می گرفت و به خانه های انصار می رفت تا حق از دست رفته را باز یابد.

مخالفت با حکومت برای امام کار دشواری بود. امام، به ویژه در سالهای نخست کوشید تا با پناه بردن به انزوا، خود را از مواجه شدن با حکومت باز دارد. سعد بن عباده تجربه خوبی بود. او بیعت نکرد و ناگهان در زمان خلافت خلیفه اول یا دوم، خبر رسید که جنیان او را کشتند. یک بار کسی از امام علی (ع) می پرسد: به اعتقاد شما، اگر رسول خدا (ص) فرزند پسری می داشت که بالغ و رشید بود، آیا عرب حکومت خود را به او می سپرد؟ امام پاسخ داد: اگر جز آنچه من کردم انجام می داد، او را می کشتند. ابن ابی الحدید می گوید: من از ابوجعفر نقیب (یحیی بن ابی زید) پرسیدم: شگفتی من از علی است که چگونه در این مدت طولانی بعد از وفات رسول خدا (ص) زنده ماند و با وجود آن همه کینه های قریش، جان سالم به در برد. ابوجعفر به من گفت: اگر او خود را تا به آن اندازه کوچک نکرده و به کنج انزوا نخزیده بود، کشته شده بود. اما او خود را از یادها برد و به عبادت و نماز و قرآن مشغول کرد، و شمشیر را به فراموشی سپرد. و از آن جا که به اطاعت حاکمان زمان پرداخت، و خود را در برابر آنان کوچک کرد، او را رها

دکتر ابوالفضل خلخالی،
عضو هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت
ab_khalkhali@iust.ac.ir

کردند، اگر چنین نکرده بود او را به قتل رسانده بودند. او سپس به اقدام خالد برای قتل امام اشاره می کند. مؤمن الطاق نیز بر این باور بود که عدم تلاش سیاسی از طرف امام در این دوره، ترس از آن بوده است که مبادا جنیان او را (همانند سعد) بکشند!

زندگی امام در انزوای مدینه، سبب شد تا آن حضرت ناشناخته باقی بماند. زمان به سرعت می گذشت و امام تنها در مدینه، آن هم در میان چهره های قدیمی صحابه، چهره های آشنا بود. اما در عراق و شام کسی امام را نمی شناخت. تنها برخی قبایل یمنی که از زمان سفر چند ماهه امام به یمن، آن حضرت را دیده بودند، با وی آشنایی داشتند. جندب بن عبدالله می گوید: زمانی پس از بیعت با عثمان به عراق رفتم، در آنجا برای مردم فضایل علی (ع) را نقل می کردم. بهترین پاسخی که از مردم می شنیدم این بود که، این حرفها را به کناری بگذار، به چیزی فکر کن که نفعی برایت داشته باشد. من می گفتم: این مطالب، چیزهایی است که برای هر دوی ما سودمند است، اما آن شخص بر می خاست و می رفت.

خلیفه اول در جمادی الاخر سال ۱۳ هجری درگذشت و چنانکه نوشته اند در آخرین روز زندگی خود، عمر را به جانشینی خود معین کرد. خلیفه دوم نیز در ذوالحجه سال بیست و سوم از هجرت با خنجر می که به پهلوی او زدند، در بستر افتاد و پس از چند روز درگذشت. پیش از مردن، شش تن از یاران پیغمبر (ص)، یعنی علی (ع)، عثمان، زبیر، سعد پسر ابوقاص، عبدالرحمان پسر عوف و طلحه را که در آن روز در مدینه نبود، نامزد کرد تا به مشورت بپردازند و در مدت سه روز خلیفه ی مسلمانان را تعیین کنند. با چنین ترکیبی از یاران رسول خدا و چنان سفارشی درباره ی پذیرفتن رأی آنان، از آغاز معلوم بوده که علی (ع) به خلافت



نخواهد رسید؛ زیرا عبدالرحمن به خاطر خویشاوندی، طرف عثمان را رها نمی کرد. در پایان سه روز عبدالرحمن نزد علی(ع) رفت و گفت: «اگر خلیفه شوی به کتاب خدا و سنت رسول و سیرت دو خلیفه ی پس از او رفتار خواهی کرد؟» علی(ع) گفت: «امیدوارم در حد توان و علم خود رفتار کنم». و چون از عثمان پرسید گفت: «آری» و عثمان خلیفه سوم شد. قرار گرفتن امام در کنار کسانی چون طلحه و زبیر و عثمان، برای امام شکننده بود. چرا که در این جمع امام را تحقیر کردند. عجیب آن است که خلیفه دوم در زمانی که شش نفر را برگزید، هر یک از آنان را با صفتی وصف کرد. در این میان، صفتی به امام نسبت داد که بی پایه و در عین حال خرد کننده بود. او امام را متهم کرد که «فیه دعابه» فرد شوخی است. بعدها معاویه و عمروبن عاص بر اساس همین سخن خلیفه دوم، درباره امام می گفتند: «فیه تلعبه» یعنی او شوخ طبع است. امام اتهام عمروبن عاص را به شدت رد کرد و این در اصل، ردّ سخن خلیفه دوم بود.

بی کفایتی های خلیفه سوم در پایان عمرش باعث شد روزهای سختی برایش رقم بخورد و بسیاری از مردم بر علیه او شورش کنند. به نقل ابن ابی الحدید، تحلیل محمد بن سلیمان این بوده است که یکی از عوامل اختلاف در دوره خلیفه سوم تشکیل شورایی بود که بنا بر وصیت خلیفه دوم برای انتخاب جانشین تشکیل شده بود. زیرا هر یک از اعضای شورا هوس خلافت داشتند. طلحه از کسانی بود که در انتظار خلافت می بود. زبیر نیز، هم به او کمک می کرد و هم خود را لایق حکومت می دید.

در روزهای پر گیرودار شورش علیه عثمان، چند بار علی(ع) میان شورشیان و خلیفه سوم میانجی بوده و رفت و آمد داشته است. اندکاندک کار بر خلیفه سوم دشوار گردید. در سندهای دست اول می بینیم علی(ع) تا آخرین لحظات از خلیفه سوم حمایت می کرد. در شب حادثه، خلیفه سوم کسی را نزد علی(ع) فرستاد که اینان آب را از ما بازداشته اند، اگر می توانید آبی به ما برسانید. این پیغام را به طلحه و زبیر و عایشه و نیز زنان پیغمبر (ص) فرستاد. نخستین کسانی که به یاری او آمدند، علی(ع) و

ام حبیبه بودند. علی(ع) در تاریکی نزد شورشیان رفت و گفت: «مردم آنچه می کنید نه به کار مؤمنان می ماند و نه به کار کافران. آب و نان را از این مرد باز مدارید! رومیان و پارسیان اسیر خود را نان و آب می دهند. این مرد با شما در نیفتاده است. چگونه در بندان و کشتن او را حلال می شمارید؟»

همین که شورشیان کار خلیفه سوم را پایان دادند به فکر اداره ی حکومت افتادند. بدیهی است مسلمانان را به حاکمی نیاز بود و باید خلیفه ای معین گردد. مردم از هر سو بر علی(ع) گرد آمدند که باید خلافت را بپذیری. اما افسوس که زمان مساعد نبود و در این بیست و پنج سال که از رحلت پیغمبر (ص) می گذشت هیچ سالی نامناسب تر از این سال برای خلافت علی(ع) نبود. برخی سنتها دگرگون شده و برخی حکمها معطل مانده و درآمد دولت در کیسه ی کسانی ریخته شده که در این مدت چندان رنجی برای اسلام و مسلمانان متحمل نشده بودند. علی(ع) از این مشکلات و دهها مشکل سخت تر از آن، آگاه بود و می گفت: «مرا بگذارید و دیگری را به دست آرید.» بیعت مردم با علی(ع) بیعت انبوه مردم بود و او چنین فرماید: «چنان بر من هجوم آوردند که شتران تشنه به آبشخور روی آرند و چراننده پای بند آنها را بردارد و یکدیگر را بفشارند؛ چندانکه پنداشتم خیال کشتن مرا در سر می پروراندند یا در محضر من بعضی خیال کشتن بعضی دیگر را دارند». و بدینسان علی(ع) که در غدیر خم سال دهم هجری بر حق به عنوان رهبر

مسلمین بر گزیده شده بود در سال ۳۵ هجری پس از گذشت ۲۵ سال در حالی حکومت را بدست گرفت که بسیاری از ارزشها به ضد ارزش تبدیل شده بود. در این شرایط جریان ضد دین که به شکل زره و زور و تزویر نمود داشت، از فرصت بوجود آمده استفاده خوبی کرد و در حالیکه دستان عدالت بسته بود، بسیار قوی شد. و چقدر پر معناست فاصله کوتاه بین هجدهم ذی الحجه و دهم محرم که ارتباط بین غدیر و عاشورا را به یاد می آورد. حوادث روز دهم محرم سال ۶۱ هجری بی شک نتیجه پشت کردن مردمان آنروز به پیمانی است که با رسول خدا در غدیر خم بر سر رهبری مردم بعد از ایشان بسته بودند. اگر مردم بر روی پیمان روز هجدهم ذی الحجه سال ۱۰ هجری در محل غدیر خم پایمردی می ورزیدند، بدون شک فرزند رسول خدا با اهل بیت خود در روز ۱۰ محرم سال ۶۱ هجری به قتلگاه کربلا نمی رفتند...

مراجع:

- ۱- زندگانی امیر مومنان علی (ع)، سید جعفر شهیدی
- ۲- زندگانی حضرت محمد خاتم النبیین(ص)، سید هاشم رسولی محلاتی
- ۳- فروغ ابدیت، جعفر سبحانی
- ۴- نهج البلاغه
- ۵- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید
- ۶- نگاهی به سیاست امام علی علیه السلام در مقابل خلفاء، سایت تبیان
- ۷- المقنع
- ۸- تاریخ مختصرالدول
- ۹- الامتاع و المؤانسه



نبا نشریه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و علمی بسیج اساتید
دانشگاه علم و صنعت ایران

صاحب امتیاز: بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران
مدیر مسئول: حسین صالح زاده
سر دبیر: محمد خلیج امیرحسینی

مطالب منتشر شده در نشریه لزوماً موضع بسیج اساتید دانشگاه نیست.

نشریه نبا از هرگونه انتقاد، پیشنهاد یا مطالب ارسالی دانشگاهیان محترم به ویژه اساتید محترم استقبال می کند. جهت ارسال مطالب خود، آنها را به آدرس الکترونیکی naba@iust.ac.ir بفرستید.